

## مسأله: آزار جنسی کودکان

اولین چیزی که از خانواده به ذهن میرسد این است که خانواده پناهگاه امنی برای افراد و مکانی برای رشد و نمو اعضای آن است.

در بین تمامی نهاد های اجتماعی خانواده از نقش و اهمیت خاص و بسازی برخوردار است.

خانواده کانون پرورش اخلاقی، روحی و روانی کودکان می باشد و به عبارتی بزرگترین حامی کودک و تأمین کننده آرامش و امنیت روحی-روانی اوست اما....

چه میشود که تمام این موارد به یکباره از بین میرود و بستری برای آزار و اذیت کودکان و نوجوانان چه از نظر روحی، جسمی و جنسی ایجاد میشود؟!

فاطمه دختر بچه ای 10ساله ای که سال 91 بعد از گزارش اورژانس اجتماعی که بنا بر شهادت همسایه ها از طرف برادر بزرگتر خود که پسری جوانی بود آزار و اذیت میشد، تحت نظر موسسه حمایت از کودکان قرار گرفت.

پدر خانواده به جرم حمل مواد مخدر اعدام شد و مادر مبتلا به بیماری صعب العلاج ام اس می باشد. و به دلیل بیماری مادر و وجود مرد سالاری تمام امور خانه داری بر عهده این کودک است.

مدد کار مربوطه با اتکا به گفته همسایه و مشاهدات و برخورد با دختر بچه اذعان داشت که این دختر مورد آزار قرار گرفته، ولی با توجه به نظریه پزشکی قانونی آزار جنسی تأیید نشده.البته در این بین باید این نکته توجه کرد که آزار جنسی همیشه قابل تشخیص نیست زیرا گاهی آزار جنسی به صورت کلامی و لمسی اتفاق میفتد.

ترس و آشفتگی ناشی از آزار در رفتار کودک کاملاً مشهود است.

به گفته مدد کار هنگامی که از کودک درباره برادر بزرگترش سوالی پرسیده میشود او به صورت کوتاه و همراه با ترس و اضطراب پاسخ میدهد، در نقاشی هایش اثری از حضور برادرش نیست و اغلب نقاشی هایش سیاه و بدون رنگ است که بنا بر نظر متخصصین مربوطه این دختر بچه دچار آسیب روحی و جسمی شده است.

به دلیل بیماری مادر، دختر بچه شدیداً به وی وابسته است ولی در زمان حضور مادر در بیمارستان با دخالت مددکار ها کودک به منزل اقوام خود میرود تا مستعد آزار قرار نگیرد.

مشکلی که در کمک به این کودک و مددجوهای از این قبیل است عدم پذیرفتن خانواده و انکار مسئله آزار کودک توسط خانواده است.

بسیاری از مادران و همچنین کودکان چه دختر و چه پسر به دلیل ترس از بی آبرویی و تهدید توسط فرد آزار دهنده جرأت آن را ندارند که واقعیت را بیان کنند و این امر باعث آن میشود که فرد آزار دهنده جسارت ادامه این کار را به خود دهد.

در مورد این کودک آزاری به این دلیل که برادر به عنوان فردی شرور در محل شناخته شده همسایه ها حاضر نیستند به صورت قانونی شهادتی مبنی بر کودک آزاری دهند به همین دلیل این کار از سال 91 که اولین گزارش اورژانس اجتماعی مبنی بر کودک آزاری جنسی به گفته همسایه ها ارائه شده تا امروز ادامه داشته است.

اما به گفته دکتر اسد بیگی ریئس کل اورژانس اجتماعی کشور نمی توان بر اساس گفته ها و شنیده ها و رفتار ها این نوع آزار را در دسته آزار های جنسی قرار داد .

با این کودک و برادرش باید به صورت یک فرد مددجو و آسیب دیده رفتار و برخورد شود و چه بهتر که برای برقراری ارتباط با پسر جوان،مددکاری از همجنس انتخاب شود تا رفتار هایش ریشه یابی و درمان گردد، زیرا به گفته مددکاران این پسر حاضر به برقراری ارتباط با آن ها نبود و تنها در یک مورد حاضر به گفتگوی تلفنی شد و در آن گفتگو نیز مشخص شد برادر خود نیز دچار آسیب است زیرا زبانش در حین تنش و اضطراب در موقع صحبت دچار لکنت میشد.

به دلیل نبود شواهد لازم و کافی برای ارائه نظریه آزار جنسی کودک به دادگاه مددکاران نتوانستند سرپرستی کودک را از خانواده بگیرند و در حال حاضر مشغول به توانمند سازی و آموزش دادن مهارت های لازم به کودک هستند.

راهکار:محافظةت از اندامهای خصوصی بدن کودکانمان را باید به آنها یاد بدهیم ، باید بخواهیم مواظب باشند و اجازه ندهند هیچ فردی به آنها دست بزند و این شامل پدر و مادر و خواهر و برادر هم می تواند باشد به کودک آموزش بدهیم که این اندامها ، اندامهای خصوصی هستند و کسی حق دست زدن به آنها را ندارد کودکانی که آموزشهای لازم را می بینند و اطلاعات و آگاهی بهتری دارند ، میزان آسیب پذیری شان نسبت به کودکانی که هیچ آموزشی ندیده اند و هیچ آشنایی درباره بدنشان و آزارهای جنسی ندارند کمتر است ؛ پس همیشه تاکید بر پیشگیری است.

**منبع: اولین گروه بزرگ مددکاران اجتماعی ایران در تگرام**